

«روزهای اول دغدغه‌ام پیدا کردن دوربین‌ها، سردر آوردن از کدهای شبکه و رمزهای آبرسرورهای دانشگاه بود. خیلی سریع‌تر از آنچه فکر می‌کردم آنها را پیدا کردم. گمان می‌کردم باید این کار بخشی از اخت شدن با دانشگاه و محیط جدید باشد. بعد از آنکه به منطقه اطلاعاتی دیگری در شهر رفتم تا از آنجا از فهرست کل اطلاعات دانشگاه رونوشتی بگیرم دیگر حس کردم کاری برای انجام دادن در دانشگاه ندارم. کاملاً با دانشگاه اخت شده بودم. به خودم قول داده بودم برنامه‌نویس خوبی باشم؛ یک هکر سفید، نه یک بار نمره‌ای از خودم جابه‌جا کردم و نه به کسی گفتم می‌توانم زندگی کاری‌شان را بگذارم جلوی رویشان، حتی صورت جلسات و مصوبات حوزه ریاست را به نشریات دانشجویی که برای این طور چیزها بدجور اشتیاق داشتند، نفرستادم. برای اینکه تمرین کدنویسی کنم خیلی جاها، مراکز و وبسایت‌ها وجود داشت که خوراک هک کردن بودند، ولی می‌دانستم هک کردن و وارد سیستم شدن در فضای کشور خوب نیست. هر لحظه ممکن است بی‌مقدمه دو تا آقای محترم بیایند بالای سرت و بگویند: «آقامی شود با ما بیایید...؟ لپ‌تاپتان را هم بیاورید.»



پیمان یک منتقد به تمام معنا بود. روزانه پنج شش ساعت به سایت‌های خبری سر می‌زد و تمام اخبار را می‌خواند. مدتی هم با فیلترشکن وارد سایت‌های خبری می‌شد. مخالف همه چیزهایی بود که به نظر من خوب بودند؛ ولی خودش و مخالفتش را منطقی نشان می‌داد. همه خودشان را در کارشان منطقی نشان می‌دهند. همه خودشان را منطقی‌ترین فردی می‌دانند که می‌شناسند و من هم همین‌طورم. فکر می‌کنم دارم منطقی‌ترین کارهای دنیا را می‌کنم. حتی کسانی که از منطق بدشان می‌آید برای بی‌منطق بودن خودشان منطق می‌تراشند.

«استاد رو کرده من و گفتم: «آقای تهامی، تو تا به حال چیزی را ساختی؟ نرم‌افزار، سایت، سامانه، هر چیزی که اسمش ساختن باشد، چیزی که کار کند، تا حالا ساختی؟ استاد، وقتی می‌توانی یک هکر خوب باشی که به ساختارها... درس به من تحویل نده! بله، شما یک هکر کلاه سفید خوب هستی، اصلاً یک هکر نخبه‌ای و به تمامی ساختارهای برنامه‌ها هم تسلط داری، ولی تا حالا برنامه‌ای ساختی؟ سرم را بالا بردم، مثل یک دانشجوی شجاع و بی‌خیال از فکری برای عاقبت این حرف، مؤدبانه گفتم: «خیر استاد». لحنش نرم شد. پایش در گرفت، شاید درد داشت و یادش افتاد که روی پاهایش دست بکشد. مکث کرد و گفت: «باید بدانی ساختن با خراب کردن چقدر فرق دارد، تو باید بفهمی که ساختن ده‌ها برابر سخت‌تر است. تا حالا کار تو نفوذ کردن بوده، ایرادی ندارد، خیلی هم خوب است، ولی باید ساختن را تمرین کنی.»

